

نگاهی به گفت و گوی حمید اشرف و تقی شهرام

اواخر سال ۱۳۵۴ گفت‌وگویی میان دو سازمان چریک‌های فدایی خلق و بخش مارکسیست‌شده سازمان مجاهدین خلق رخ می‌دهد. از سوی مجاهدین مارکسیست‌شده، تقی شهرام و جواد قائدی و از سوی سازمان چریک‌های فدایی خلق، حمید اشرف و بهروز ارغمانی حضور داشتند. در نخستین جلسه این گفت‌وگو، بحثی بر سر تغییر ایدئولوژی مجاهدین مارکسیست‌شده در می‌گیرد. حمید اشرف طی این گفت‌وگو اظهار می‌دارد که تغییر نام سازمان مسئله‌اش نیست، بلکه او به تصفیه‌های درون سازمانی و این‌که چرا مارکسیست‌ها از مجاهدین جدا نشدند و سازمان جدیدی تشکیل ندادند متذکر است. در ادامه بخشی از این گفت‌وگو (بدون تغییر در متن آن) به نظر مخاطبان نشریه می‌رسد.

بنا داریم در هر شماره به بررسی بخش‌هایی از این گفت‌وگو بپردازیم. گفتنی است فایل‌های صوتی این مجموعه پس از ۳۵ سال توسط تراب جوشناس منتشر شده و متن کامل آن توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق پیاده شده است. متن پیاده‌شده این اسناد در سایت www.meisami.com قابل دسترسی است.

تاریخی‌ای که می‌تونست بذاره، در چنین صورتی که شما پیشنهاد می‌کنید خیلی خوب، چند تا مارکسیست بودن جداشدن رفتن پی کارشون، سازمان مجاهدین هم بلافاصله تبدیل می‌شده به یک سری عناصر مذهبی که خوب بودند، یعنی اون حقانیت تاریخی‌ای که ما اینجا می‌خواستیم برای مارکسیسم ثابت بکنیم، در واقع لوٹ می‌شد رفیق. این مسئله خیلی روشن، یکی از دلایلش اینه، یعنی درست شما همان حرفی رو می‌زنید که عناصر خرده‌بورژوازی بازار می‌زنن، اونا میگن آقا اینها دیگه مجاهدین نیستن که، اینا به آدمای مارکسیستن دیگه، اینها برن پی کارشون، مجاهدین هم همون مسلمونن.

حمید اشرف: اونا حق دارن رفیق.
تقی شهرام: ادرسته حق دارن، به مسئله است، اونا از دیدگاه طبقاتی شون حق دارن، یعنی مسئله اونا جاست که اونا همواره میخوان چی باشه، اونا همواره میخوان اون حقانیتی که یک جریان انقلابی می‌تونه، در واقع مارکسیست می‌تونه در یک جریان انقلابی از خودش نشون بده، با این عملشون منکر بشن. بله اونا حق دارن، ولی به این معنا حق دارن، یعنی اونا می‌خوان منکر این بشن که بله به سازمان مذهبی، یک سازمانی که

حمید اشرف معتقد است کسانی که از درون سازمان مجاهدین تغییر ایدئولوژی داده بودند باید جدا می‌شدند و از نام سازمان استفاده نمی‌کردند. در مقابل محمد تقی شهرام می‌گوید جان کلام اینجاست که ما می‌خواستیم حقانیت مارکسیسم را نشان دهیم که یک سازمان مذهبی در نهایت به مارکسیسم می‌رسد و مارکسیسم می‌تواند بر اسلام غلبه کند، وی در پاسخ می‌گوید شما که چنین توفیقی به دست نیاوردید، چرا که ابتدا ۵۰ درصد اعضای سازمان را حذف و تصفیه کردید، بعد ادعا می‌کنید که مارکسیسم بر اسلام غلبه کرده است!

تقی شهرام: اگر یک سازمانی، در پروسه تاریخی خودش، به یک نقطه نظر درست‌تری می‌رسه، معنای اتفاقاً این نکته اساسی تره اینجا، این که ما همان سازمان، بین وقتی می‌گویم همان سازمان معنایش این نیست که همان سازمان که مثلاً سال ۴۴ تشکیل شد، همان آدم‌ها با همان مشخصات، یعنی این سازمانی که در یک پراتیک انقلابی می‌رسه به نقطه نظر مارکسیستی، خود حفظ اصلاً موضع اسم اون سازمان یک حقانیتی می‌شه برای نقطه نظر مارکسیستی. یعنی اگر یک گروهی، یک سازمانی، یک عنصری خواستند یک روزی با یک جریان انقلاب پیش برن و مرتباً مواضع صادقانه‌ای بگیرند، اینها چاره‌ای ندارند جز این که مارکسیست بشن. این نکته اتفاقاً درست همان چیز مطلوب عناصر در واقع خرده‌بورژوازیه، یعنی اونها از خدای می‌خوان که بگن آقا اینها به تیب‌هایی بودن، یکسره عناصر مارکسیست بودن بعد هم جداشدن و رفتن، اون اثر تاریخی که ما با حفظ این مواضع، یعنی اینجا موضعی نبوده‌ها، ما اون نتایج تاریخی که می‌تونست اعلام مواضع ایدئولوژیک ما در چارچوب این سازمان، به نام این سازمان، تأثیر بذاره در جنبش و این اثرات

در یک جریان پراتیک انقلابی شرکت کرده، این نمی‌تونه مارکسیست بشه و مارکسیست هم به ایدئولوژی‌ای نیست که بتونه غالب بشه بر مذهب، اون‌با این دلیل حق دارن.
حمید اشرف: خب واقعیت هم همین‌ه که نتونسته.

تقی شهرام: خوب، این مسئله را باید روشن بکنید چطور نتونسته؟

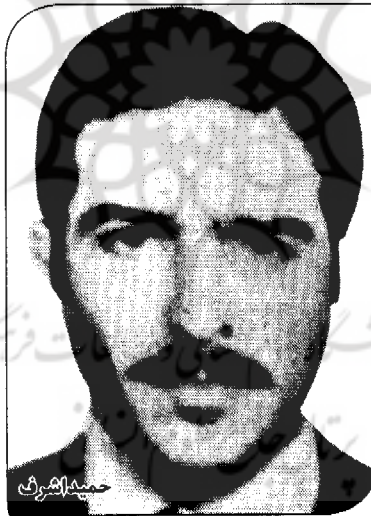
حمید اشرف: به این دلیل نتونسته که حداقل ۵۰ درصد کادرها شو مجبور شده تصفیه کنه.

تقی شهرام: آخه این ۵۰ درصد که کادره، خیلی جالبه، حرف‌هایی که شما می‌زنید همین‌ه دیگه، همین مسائله، حرف‌هایی که شما می‌زنید، دقیقاً همون حرف‌هاییه که امروزه ما از گوشه و کنار این عناصر فرصت طلب و اپورتونیست مذهبی می‌شویم. این ۵۰ درصد کیا بودن؟ این ۵۰ درصد کسانی بودن که دیگه در واقع داشتن خیانت می‌کردن به جنبش. کسانی بودن که به دلیل، نه به دلیل مذهبی بودنش رفیق، به دلیل این که هزار جور ضعف داشتن، هزار جور معایب داشتن، تمام تحلیل‌ها از خودشون موجوده، تمام مسائلشون موجوده و تمام مسائلی که در واقع شما باید این قدر دید داشته باشید، باید این مسئله را بدوین که کسی که توی یک تشکیلات تصفیه میشه میره، هیچ وقت نمی‌تونه به دلیل این باشه آقا اون می‌گه من مذهبی‌ام، اینم بگه من مارکسیستم! مگه می‌شه همچنین چیزی؟ طرف تصفیه می‌شه و نشون داده می‌شه که این آدمی که دیگه باقی می‌مونه در این پراتیک، می‌مونه و می‌خواهد به اصطلاح، تحت پوشش مذهبی، که البته همه‌شون این طوری بودن، این تصمیمی که ماصورت بدیم عمدتاً رو (نامفهوم...)

حمید اشرف: آخه همین برای ما سؤال برانگیزه.

تقی شهرام: عمدتاً رو خصلت‌های ایدئولوژیکشون، رو خصلت‌های منفی شون بوده، یعنی اینها نتونستن مارکسیست بشن. همین‌هان که تصفیه میشن می‌رن و به دلیل همین که اون عناصری که باقی می‌مونن از نظر خصایل، از نظر انگیزه‌ها دارای در واقع نقاط قوتی هستند، به همین دلیل مارکسیست میشن، این سازمان‌ها به این دلیل مارکسیست نمی‌شن که مثلاً فرض کن مذهبی‌ها را می‌ذاره بیرون، به این دلیل مارکسیست می‌شه که

حمید اشرف، تقی شهرام و رفقاییش را متهم می‌کند که شما با عملکرد خود و انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک، نشان دادید که نمی‌خواهید اجازه دهید سازمان‌های مذهبی متشکل شوند، ولی تقی شهرام اصرار دارد که چنین هدفی نداشته‌ایم، ولی در بیان فوق اعتراف می‌کند که تنها جمیع به سازمان مجاهدین، تصفیه‌ها، حذف‌ها و ترورها به حدی شدید بوده است تا دیگر سازمانی مذهبی نتواند کمر راست کند و نتواند با مارکسیسم مقابله کند



حمید اشرف

عناصر به اصطلاح با انگیزه‌های غیر توده‌ای، با انگیزه‌های غیر انقلابی، یا نمی‌دونم گرایشات انحرافی، اینها رو می‌ذاره بیرون، اینارو تصفیه می‌کنه، آن وقت مارکسیست می‌شه، آن وقت می‌تونه در واقع به این نقطه برسه، آخه این نکته با هم رابطه دارن، شما که تو تشکیلات کار می‌کنید، خوب این رو می‌دونید.

حمید اشرف: رفیق انحراف از چی؟
تقی شهرام: انحراف از چی؟ یعنی چی انحراف از چی؟

حمید اشرف: اینهایی که شما می‌گید منحرف بودن.

تقی شهرام: بله.

حمید اشرف: از چی منحرف بودن؟

تقی شهرام: از آن ضوابط انقلابی‌ای که ما به مرور نتونسته بودیم به دست بیاریم و نشون می‌دادیم که...

حمید اشرف: اون ضوابط انقلابی که شما به مرور به دست می‌آوردید طبعاً به سمت مارکسیسم میل می‌کرد.

تقی شهرام: درسته.

حمید اشرف: و این با ایدئولوژی طبقات خرده‌بورژوا سازگار نیست.

تقی شهرام: بسیار خوب.

حمید اشرف: و آنها طبعیه که این رو نفی اش بکنن...

تقی شهرام: ما، آخه به مسئله است، اینجا رفیق، ما مگر می‌تونیم به این مسئله تسلیم بشیم، بین توی یک تشکیلات فرق می‌کنه با جامعه،

طرف آمده داره مبارزه می‌کنه، درسته؟ این آدم مثلاً یک روشنفکره، این روشنفکر اولاً هنوز

به این دلیل که مذهبی یا مارکسیسته نمی‌شه بهش گفت نماینده پرولتاریا. هنوز تازه باید بیاد

طی بکنه، مواضع اصلیش دقیقاً معلوم بشه، اون وقت اگر، حتی از نظر روبنایی هم ترک

کرد ایدئولوژی ایده‌آلیستی شو، اون موقع تازه شرایط لازمش را می‌آره، ما هم در مورد به چنین

افراد، وقتی که چنین پراتیک پرورس‌های را طی می‌کرده‌اند، موظف بودیم باهاشون برخورد

کنیم، ما نمی‌تونستیم تا به طرف می‌رسیم بگیم که آقا جون مثلاً تو فلان ضعف را داری، خیلی

خب این مال ماهیت خرده‌بورژوائیته، بروپی کارت، یا فلان کسک فلان انحراف رو داره،

مال ماهیت خرده‌بورژوائیته، بروپی کارت، یا اصلاً خب برو برای خودت به سازمان دیگه

تشکیل بده، ما هم می‌ریم پی کارمون. ما اینجا در واقع به کار مشترک انقلابی داشتیم، ما فرق

می‌کنه. ما بله نمی‌ریم مثلاً فلان بازاری را بگیریم بیاریم بگیم آقا توی خرده‌بورژوا بیار مارکسیست

شو، کار احماقانه‌ایه، یا فلان نمی‌دانم روشنفکر دانشگاهی را ور نمی‌داریم یقه‌شو بچسیم...

منافع شون رو خدشه‌دار کردیم رفیق!

حمید اشرف: بله.

تقی شهرام: پدر خرده‌بورژوازی در آمده،

ضربه خورده، کمر نمی‌تونه راست کنه، مشخصه از نظر ایدئولوژیک داغون شده! یعنی این در واقع امروزه ما با گروه‌های مذهبی سروکار داریم دیگه! طرف الان نمی‌تونه متشکل بشه از نظر ایدئولوژیک و بخواد در واقع اون مواضع انحرافی رو در جنبش به وجود بياره، به این دلیل که باید با این نقطه نظر ما برخورد کنه، و این نمی‌تونه این برخورد رو بکنه.

حمید اشرف معتقد است کسانی که از درون سازمان مجاهدین تغییر ایدئولوژی داده بودند باید جدا می‌شدند و از نام سازمان استفاده نمی‌کردند. در مقابل محمد تقی شهرام می‌گوید جان کلام اینجاست که ما می‌خواستیم حقانیت مارکسیسم را نشان دهیم که یک سازمان مذهبی در نهایت به مارکسیسم می‌رسد و مارکسیسم می‌تواند بر اسلام غلبه کند.

حمید اشرف در پاسخ می‌گوید شما که چنین توفیقی به دست نیاوردید، چرا که ابتدا ۵۰ درصد اعضای سازمان را حذف و تصفیه کردید، بعد ادعا می‌کنید که مارکسیسم بر اسلام غلبه کرده است!

تقی شهرام در واکنش به این اتهام، نخست می‌پذیرد که ۵۰ درصد از اعضای سازمان حذف شده‌اند که این واقعیت تا کنون ناگفته مانده بود و به آن اعتراف نمی‌شد. دوم این که شهرام اشاره می‌کند که اینها به دلیل مذهبی بودن تصفیه نشدند، بلکه به دلایلی چون خیانت به جنبش، نداشتن دیدگاه انقلابی و مردمی، خصلت‌ها، انحراف، هزاران گونه ضعف و معایب و... تصفیه شدند. تقی شهرام می‌افزاید که اینها تصفیه تشکیلاتی شده‌اند و با اصالت دادن به تشکیلات تأیید می‌کنند که هر کس تصفیه تشکیلاتی شود، قطعاً انحرافاتی داشته است! آن‌گاه حمید اشرف می‌گوید «انحراف از چی؟» به نظر می‌رسد منظورش این است که آیا انحراف از معیارهای مجاهدین مذهبی یا انحراف از معیارهای مارکسیستی و تأکیدش این است که انحراف از معیارهای مارکسیستی بوده است، یعنی کسانی بودند که نخواستند مارکسیسم را بپذیرند یا به قول شهرام نتوانستند مارکسیست شوند، در حالی که تقی شهرام اصرار دارد که لبه تیز تصفیه‌ها متوجه مذهبی‌ها و مذهب اسلام نبوده است، ولی در جای دیگر خطاب به حمید اشرف اعتراف می‌کند که: «پدر خرده بورژوازی

در اوامده، ضربه خورده، کمر نمی‌تواند راست کند. مشخصه از نظر ایدئولوژیک داغون شده! یعنی این در واقع امروزه ما با گروه‌های مذهبی سروکار داریم دیگه، طرف الان نمی‌تونه متشکل بشه. از نظر ایدئولوژیک و بخواد در واقع اون مواضع انحرافی رو در جنبش به وجود بياره به این دلیل که باید با این نقطه نظر ما برخورد کنه و این نمی‌تونه این برخورد رو بکنه.»

در جای دیگری از این گفت‌وگوها، حمید



تقی شهرام، حمید اشرف را متهم می‌کند که او هم مانند اپورتونیست‌های مذهبی معتقد است که مارکسیست‌شده‌ها باید جدا شوند و نام دیگری برای خود انتخاب کنند که در این راستا حقانیت به مذهبی‌ها باشد. جالب اینجاست که همین‌ها در مهرماه ۱۳۵۷ با تغییر نام، رهایی طبقه کارگر، اعلام کردند که کارشان اشتباه بوده و باید جدا می‌شدند و ترورها هم اشتباه بوده است، یعنی به بیان تقی شهرام خود در سازمان مجاهدین، خصلت‌های ناپسند زیادی از خود نشان می‌داد؛ غرور او و روحیه اطلاعاتی‌اش که می‌خواست در یک سازمان مخفی همه چیز را بداند، زیانزد همه حتی بهرام آرام بود. او طی حیات تشکیلاتی‌اش حتی یک عمل مسلحانه نداشت و حتی در کارخانه هم کار کارگری نکرد، اسلحه‌اش را گاهی ۱۰ روز تمیز نمی‌کرد، به طوری که زنگ می‌زد. وقتی از بهرام آرام می‌پرسند که چه زمانی تشخیص می‌دهی یک عمل خطرناک است یا نیست، او در پاسخ می‌گوید صمدیه ملاک خوبی است، اگر او تشخیص دهد عمل خطرناک است قطعاً از موضع محافظه‌کاری نیست، اگر او را دستگیر کنند می‌توان قسم خورد که کسی را لونی نمی‌دهد، ولی چنین شخصی از سوی تقی شهرام متهم به خیانت شده و ترور می‌شود و پس از دستگیری نیز بدون اطلاع متهم می‌شود که در حال لودادن افراد است. وقتی حمید اشرف از تقی شهرام می‌پرسد «انحراف از چی؟» یکی از مصادیق این انحراف صمدیه بود که تا پستی اعدام برای دفاع از اسلام و مبارزه صادقانه مقاومت کرد. مصداق دیگر مجید شریف واقفی بود که هیچ سختی با ملاک‌های انحراف از دید تقی شهرام نداشت.

اشرف، تقی شهرام و رفقاییش را متهم می‌کند که شما با عملکرد خود و انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک، نشان دادید که نمی‌خواهید اجازه دهید سازمان‌های مذهبی متشکل شوند، ولی تقی شهرام اصرار دارد که چنین هدفی نداشته‌ایم، ولی در بیان فوق اعتراف می‌کند که تهاجم به سازمان مجاهدین، تصفیه‌ها، حذف‌ها و ترورها به حدی شدید بوده است تا دیگر سازمانی مذهبی نتواند کمر راست کند و نتواند با مارکسیسم مقابله کند. تقی شهرام، حمید اشرف را متهم می‌کند که او هم مانند اپورتونیست‌های مذهبی معتقد است که مارکسیست‌شده‌ها باید جدا شوند و نام دیگری برای خود انتخاب کنند که در این راستا حقانیت به مذهبی‌ها باشد. جالب اینجاست که همین‌ها در مهرماه ۱۳۵۷ با تغییر نام، با عنوان «سازمان پیکار برای رهایی طبقه کارگر»، اعلام کردند که کارشان اشتباه بوده و باید جدا می‌شدند و ترورها هم اشتباه بوده است، یعنی به بیان تقی شهرام خود در سازمان مجاهدین، خصلت‌های ناپسند زیادی از خود نشان می‌داد؛ غرور او و روحیه اطلاعاتی‌اش که می‌خواست در یک سازمان مخفی همه چیز را بداند، زیانزد همه حتی بهرام آرام بود. او طی حیات تشکیلاتی‌اش حتی یک عمل مسلحانه نداشت و حتی در کارخانه هم کار کارگری نکرد، اسلحه‌اش را گاهی ۱۰ روز تمیز نمی‌کرد، به طوری که زنگ می‌زد. وقتی از بهرام آرام می‌پرسند که چه زمانی تشخیص می‌دهی یک عمل خطرناک است یا نیست، او در پاسخ می‌گوید صمدیه ملاک خوبی است، اگر او تشخیص دهد عمل خطرناک است قطعاً از موضع محافظه‌کاری نیست، اگر او را دستگیر کنند می‌توان قسم خورد که کسی را لونی نمی‌دهد، ولی چنین شخصی از سوی تقی شهرام متهم به خیانت شده و ترور می‌شود و پس از دستگیری نیز بدون اطلاع متهم می‌شود که در حال لودادن افراد است. وقتی حمید اشرف از تقی شهرام می‌پرسد «انحراف از چی؟» یکی از مصادیق این انحراف صمدیه بود که تا پستی اعدام برای دفاع از اسلام و مبارزه صادقانه مقاومت کرد. مصداق دیگر مجید شریف واقفی بود که هیچ سختی با ملاک‌های انحراف از دید تقی شهرام نداشت.